

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ - شماره: ۱۷

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

فجایع یمن؛ میوه‌ای دیگر از شجره‌ی
خبیثه‌ی حاکمیت غیر مهدی

نویسنده مقاله:
دکتر حمید ضیغمی

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



این روزها شاهد جنایات وحشتناک رژیم سفاک آل سعود در یمن هستیم. زنان و کودکان که همواره مظلوم‌ترین قربانیان قدرت‌طلبی مستکبران و زورمندان هستند، در یمن آماج حملات بیرحمانه حکومتی قرار گرفته‌اند که کلیددار کعبه است! این جنایت بزرگ اگرچه فصلی تازه از جنگ و خونریزی در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد، اما دنباله‌ی همان فتنه‌ی عظیمی است که گریبان مسلمانان را در سرزمین‌های مختلف اسلامی چون عراق، سوریه، افغانستان، فلسطین، لیبی و سودان گرفته است. به این فاجعه‌ی انسانی از زوایای گوناگونی می‌توان نگریست و آن را تحلیل کرد. آن چه باید روشن شود نخست آن است که گردانندگان این جنگ خونین چه کسانی هستند و چه اهداف و مقاصدی را دنبال می‌کنند؟ دیگر آن که ریشه‌ی این بحران چیست و در نهایت چه راهکاری برای حل آن در کوتاه مدت و دراز مدت وجود دارد؟

نگاهی گذارا به اطراف بحران یمن به خوبی آشکار می‌سازد که همانند سایر فتنه‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی، کفار غربی گردانندگان اصلی این فتنه‌ی شوم‌اند. هم چنان که به تازگی مقامات غربی در موضع‌گیری‌های متعدد خود از جمله در اجلاس کمپ دیوید بر این واقعیت صحه گذاشتند. اما بازیگران این بازی خطرناک اعراب سعودی هستند که با زیر پا

گذاشتن تمامی اصول و مبانی انسانی و اسلامی، دست در دست کفار و مشرکین به کشتار بی‌رحمانه‌ی مسلمانان مشغول شده‌اند. بدون شک این ننگی بسیار بزرگ است که گروهی به ظاهر مسلمان که پرده‌داران خانه‌ی مقدس خدا هستند، با اطاعت کامل از کفار و تحت حمایت همه‌جانبه‌ی آنها مسلمانان دیگر را به خاک و خون می‌کشند! ریشه‌های این واقعیت تلخ و اسفبار و ابعاد و زوایای مختلف آن توسط حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و سایر گفتارهای حکیمانه‌ی آن عالم بزرگوار به روشنی تبیین شده است. چنان چه در فرازی از آن کتاب شریف می‌فرمایند:

«جای تعجب است که برخی از مسلمانان، با کافران دوستی و با برادران خود دشمنی می‌کنند، با این توهّم که کافران، خیرخواه آنانند و برادرانشان، شرّشان را می‌خواهند؛ مانند برخی مسلمانان افغانستان که ده‌ها دولت کافر و متعدّدی را دوست خود می‌شمارند، ولی دو دولت مسلمان و همسایه را دشمن خود می‌پندارند! وانگهی گروهی از دشمنان اسلام، منافقانی هستند که مسلمان شمرده می‌شوند، در حالی که به آنچه خداوند بر پیامبرش نازل کرده است، کافرند و برای نابودی اسلام و استیلاء کفر بر جهان، با کافران همکاری می‌کنند و این در حالی است که مسلمانان، آنان را نمی‌شناسند و از کفر آنان، آگاهی ندارند؛ چنانکه خداوند از کفر آنان خبر داده و فرموده است: ﴿وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾؛ «اگر آنان به خدا و پیامبر و چیزی که به او نازل شده ایمان داشتند، آنان را دوستان خود نمی‌گرفتند، ولی بسیاری‌شان فاسق هستند!» آنان در واقع، شماری از کافرانند که حاکمان مسلمان شمرده می‌شوند و از جانب کافران، برای حکومت بر مسلمانان حمایت می‌شوند، تا منافع کافران را در میان مسلمانان، تأمین کنند. بدون شک، در رأس آنان، حاکمان سعودی هستند که آشکارا دست در دست دشمنان اسلام دارند و در دو جبهه‌ی سیاسی و فرهنگی، برای نابودی اسلام کوشش می‌کنند. از یک سو، در جبهه‌ی سیاسی، با کافران حربی همکاری می‌کنند و از گروه‌های مفسد و محارب در سرزمین‌های اسلامی، حمایت می‌نمایند و از سوی دیگر، در جبهه‌ی فرهنگی، میان مسلمانان تفرقه می‌افکنند و باورهای شرک آمیز را با عنوان توحید ترویج می‌دهند، در حالی که بسیاری از مسلمانان، آنان را خادمان حرمین می‌پندارند و مروجان عقیده‌ی صحیح، می‌شمارند!»

بنابراین جهل مسلمانان به دشمنان اسلام از کفار و مشرکین و منافقان و تسلط کفار و مشرکین و منافقین بر سرزمین‌های اسلامی، لایه‌ی درونی بحران‌های حاکم بر جهان اسلام از جمله یمن است. اما آن چه باید مورد توجه عمیق مسلمانان جهان قرار گیرد آن است که تمام بدبختی و مسکنتی که امروز در سرتاسر جهان اسلام بلکه همه‌ی جهان گریبان مسلمان‌ها و تمامی انسان‌ها را گرفته است، ریشه در عدم تمسک مردم به ریسمانی از خدا (قرآن) و ریسمانی از مردم (مهدی) دارد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ﴾؛ «ذلت بر آنان زده شد هر جا که یافت شوند مگر نزد ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم و به خشمی از خدا دچار آمدند و بی‌چارگی بر آنان زده شد». بنابراین تنها چاره‌ی حقیقی برای برون‌رفت از بن بست کنونی جهان اسلام، تلاش مسلمانان برای تحقق حاکمیت خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین است. مسلمانان جهان از جمله مردم ستم‌دیده‌ی یمن باید بدانند که تنها کسی که آنها را از مصیبت‌ها و فلاکت‌های کنونی نجات می‌دهد و سعادت دنیا و آخرتشان را تضمین می‌کند مهدی است؛ همان موعودی که از پیش وعده داده شده است که جهان را از عدل و داد پر می‌کند پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد؛ او که بی هیچ تردید تنها فرد شایسته برای حاکمیت بر سرتاسر جهان به اذن الله است و تمام حاکمان جهان خواسته یا ناخواسته غاصبان حقّ اویند و ظلم و ستمی که جهان را آکنده ساخته است اثر وضعی عدم حاکمیت او بر جهان است.

بنابراین مسلمانان جهان باید از یک سو با اقدامات هوشمندانه و فوری، غاصبان و منافقان آل سعود را منزوی و منکوب کنند و از سوی دیگر با همتی همه جانبه و با لبیک گفتن به دعوت حق حضرت منصور حفظه الله تعالی راه را برای رساندن قدرت به مهدی فراهم سازند و بدین سان ریشه‌ی جور و ظلم در سرتاسر عالم را بخشکانند. چنانکه ایشان در فرازی دیگر از کتاب ارزشمند «بازگشت به اسلام» ضمن بیان حکم شرعی آل سعود، به تبیین و تشریح وظیفه‌ی مسلمانان در زمان کنونی در قبال آنان خصوصاً درباره‌ی مسأله‌ی مهم حج می‌پردازند و نقش مهدی را در این معادله‌ی پیچیده به روشنی تبیین می‌فرمایند:

«...از اینجا دانسته می‌شود که تصرفات آل سعود در گنج‌های کعبه و درآمدهای حاصل از حج، غیر مشروع و عدوانی است و تبعاً اعانت مسلمانان بر آن، اعانت بر معصیت و عدوان شمرده می‌شود که جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَا

تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ «و بر معصیت و عدوان همکاری نکنید»؛ خصوصاً با توجّه به اینکه آنان اموال خداوند را بر ضدّ او هزینه می کنند و در راه تقویت جبهه‌ی کفر و تجهیز قشون ضلال و تفریق میان مسلمانان، به کار می‌برند؛ بلکه با این وصف، عزل آنان از تصدّی حرم و سپردن آن به مهدی، واجب است؛ همچنانکه اخراج آنان از مکه، بلکه جزیره العرب، به اقتضای وجوب اخراج مشرکان از آن، واجب است؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾** «ای کسانی که ایمان آوردید! جز این نیست که مشرکان نجس‌اند، پس بعد از این سالشان به مسجد الحرام نزدیک نشوند»؛ خصوصاً با توجّه به اینکه مکه، بنا بر اخبار متواتر، پناه‌گاه مهدی پیش از ظهور اوست و با این وصف، استیلاء ظالمان بر آن، خطری جدّی برای او شمرده می‌شود و تبعاً بر همه‌ی مسلمانان واجب است که هر چه زودتر، استیلاء ظالمان بر این شهر را برطرف کنند تا امنیت و امکان ظهور مهدی در آن، فراهم شود. هر چند جنگیدن در این شهر، به اقتضای حرمت آن از جانب خداوند، جایز نیست؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ﴾**؛ «و با آنان نزد مسجد الحرام نجنگید تا آن گاه که آنان با شما در آن بجنگند» و از این رو، چاره‌ای جز قطع دسترسی آنان به این شهر از خارج آن نیست و چه بسا قطع رابطه‌ی مسلمانان با آنان در زمینه‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، مقدّمه‌ی این کار را فراهم سازد؛ همچنانکه تعلیق حجّ به اقتضای اعانت بودن آن بر معصیت و عدوان آنان در زمان استیلاءشان بر مکه با توجّه به سرازیر شدن اموال حاجیان به جیب کافران و منافقان، خالی از وجه نیست؛ جز آنکه بیم می‌رود این تعلیق، خود از جهتی دیگر، به تقویت دشمنان اسلام و وهن شعائر آن بینجامد و در مجموع به مصلحت مسلمانان نباشد و از این رو، نمی‌توان به آن توصیه کرد. آری، شایسته است که مسلمانان، در زمان استیلاء ظالمان بر مکه، به حجّ واجب بسنده کنند و از حجّ و عمره‌ی مستحب بپرهیزند؛ چراکه کار واجب برای انجام کار مستحب وانهاده نمی‌شود و اجتناب از اعانت ظالمان بر ضدّ اسلام و مسلمانان، واجب است».

آنچه حضرت علامه خصوصاً در فرمایش اخیر خود تبیین فرمودند، برنامه‌ای کاربردی، دقیق و عملی به منظور دفع فتنه‌ی آل سعود و یاری مهدی است که باید مورد توجّه عمیق همه‌ی مسلمانان جهان قرار بگیرد و عملیاتی شود. بنابراین فجایع یمن، نمونه‌ای کوچک از آثار و

تبعات خانمان سوز حاکمیت غیر مهدی و استیلای کفار و مشرکین و منافقین بر مسلمین است و تا زمانی که دست کفار و مشرکین و منافقین از جان و مال و ناموس و سلاح مسلمانان قطع نشود و زمینه‌ی تحقق حاکمیت مهدی فراهم نگردد، این گونه فجایع ادامه خواهد داشت و روز به روز بر ضعف و ذلت و بدبختی مسلمانان اضافه خواهد شد. کسانی که به دنبال حل بحران یمن بدون توجه به آن چه تبیین شد هستند، یا جاهلانی هستند که صرفاً به دنبال مسکن‌هایی برای آرام کردن موقت اوضاعند، بی آن که ریشه‌ی این نابسامانی‌ها قطع گردد و صلحی پایدار و عدالتی حقیقی و همه جانبه حاکم شود و یا منافقانی هستند که تجاهل می‌کنند و منفعت خود را در عدم تحقق حاکمیت مهدی و ادامه‌ی ناآرامی‌ها و آشوب‌ها در جهان اسلام می‌بینند.

اکنون وقت آن است که مسلمانان جهان که طعم تلخ حاکمیت‌های رنگارنگ غیر مهدی را چشیده‌اند به خود آیند و همگی زیر پرچم‌های سیاه حضرت منصور هاشمی خراسانی که پرچم‌های عزای مصیبت غیبت مهدی است، گرد آیند و با اعتقاد قلبی و التزام عملی به شعار مبارک «البيعة لله»، دین خویش را خالص نمایند و در صفی واحد مانند بنیانی مرصوص به سوی مهدی حرکت کنند و با همه‌ی وجود، یوغ حاکمیت غیر او را از گردنهای خویش بیرون کنند و به حاکمیت او گردن نهند.

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. مقاله‌ی «نصیحتی دلسوزانه به طرفداران و حامیان احمد الحسن بصری»

